

به گزارش روابط عمومی دفتر امام جمعه لاریجان:
برگزاری نماز جمعه شهر رینه. 29 خرداد ماه سال 1405

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين أحمده و أشكره و
أستعينه و أستغفره و أتوكل عليه و أصلي و أسلم على حبيبه و نجيبه و
خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمة و نذير نقمته
سيّدنا و نبينا و حبيب قلوبنا أبى القاسم المصطفى محمّد و على آله
الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم
الدين.

قال الله العظيم في كتابه الكريم:

«وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ

الْمُؤْمِنِينَ نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» نسا/115

ترجمه: " و هر کس بعد از آنکه هدایت برایش روشن و آشکار شد با پیامبر مخالفت و دشمنی کند و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید او را بهمان سو که رو کرده واگذاریم و به دوزخ درآوریم و آن بد بازگشت گاهی است."

"أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ وَخَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ" خودم و همه شما بندگان خدا را در این چهارمین روز از محرم و اولین جمعه بنام شیرخوارگان حسینی به رعایت تقوای الهی و نظم در امور سفارش میکنم که سفارشی والاتر

از این مهم در عالم هستی وجود ندارد پس بندگان خدا اتقوا الله! یک
سؤال زنده تاریخی که همیشه در ذهن نسلها تکرار میشود این است که:
چرا کوفیان به جنگ امام حسین(ع) رفتند؟ منظور از «کوفیان» نه
مردم و توده های عمومی بلکه خواص جامعه است. در هر جامعه ای
مردم به دو قسم تقسیم میشوند: اول کسانی که بر مبنای فکر و تحلیل
خود از روی آگاهی در راهی گام بر میدارند که اِسمشان را
«خواص» میگذاریم. قِسمِ دوم عوام کسانی که وقتی جَوّ بسمتی می‌رود
آنها هم بدونِ تحلیل دنبالش می‌روند ی‌کوقت حضرت مسلم(ع) وارد
کوفه میشود هجده هزار بیعت کننده دُورِ مسلم را میگیرند! چند ساعت
بعد رؤسای قبایل در کوفه بمردم میگویند: از چه کسی دفاع میکنید؟!

به خانه هایتان برگردید. بعد که سربازان ابن زیاد دور خانه «طووعه» را برای دستگیری مسلم میگیرند همین مردم علیه مسلم میجنگند هر طور که جوّ ایجاب کرد حرکت میکنند! فهم این پرسش اساسی و تاریخی ترجمان این فقره مهم از زیارت عاشورا است: «وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ» لعنت خدا بر زمینه چینان و مُمهّدین فاجعه کربلا! بفرمایش امام صادق (ع): لَوْ لَا أَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ وَجَدُوا مَنْ يَكْتُبُ لَهُمْ وَ يَجِبِي لَهُمُ الْفَيْءَ وَ يَقَاتِلُ عَنْهُمْ وَ يَشْهَدُ جَمَاعَتَهُمْ لَمَا سَلَبُونَا حَقَّنَا (الكافي، ج ۵، ص ۱۰۶) «اگر بنی امیه خواصی را نداشتند که امورشان را سامان دهی کنند هرگز نمیتوانستند حق ما را غصب کنند» مردم کوفه بخاطر ملیتها و ادیان گوناگون از بلوغ فکری در

تصمیمگیری برخوردار نبودند و همین ناهماهنگی سبب شد تا هر قبیله ای برای خود شرایط خاصی اعمال کند و با اعمال فشار حکومت قبیله ای به حکم اجبار راهی کربلا میشدند. خواص کوفه در موارد گوناگونی در گفتار خود دچار تناقض بودند سخنی را بر زبان میآوردند که در عمل اعتقاد نداشتند بعنوان نمونه: آنها با هزاران نامه که تعدادشان یک صد هزار نفر است امام حسین(ع) را به کوفه دعوت کردند برخی دیگر نوشته بودند که اگر بدعوت آنها پاسخ مثبت ندهد فردای قیامت شکایت او را به پیامبر خواهند نمود! اما بعد نماینده امام حسین را در کوفه پس از تهدیدهای ابن زیاد غیر از اینکه تنها گذاشتند بلکه همان دستهای بیعت کننده در کربلا علیه امام حسین

تبدیل به شمشیر شد وصفِ کاملشان بر زبان فرزدق که در پاسخ امام حسین(ع) از وضعیت مردم کوفه پرسیده بود گفت: «قلوبهم معک و سیوفهم علیک» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۵) قلبهایشان همراه شماست ولی شمشیرهایشان علیه توست! از دیگر موارد تناقض این بود که پس از شهادتِ امام حسین(ع) وقتی خیمه های امام را غارت کردند یک نفر از اهلِ کوفه به دختر امام حسین(ع) فاطمه هجوم بُرد گوشواره اش را وحشیانه کشید دید مرد کوفی بشدت گریه میکند پرسید چرا گریه میکنی؟ گفت مشغولِ غارت دختر رسول الله میباشم! گفت: پس مرا رها کن گفت اگر من نبرم دیگری میبرد!! (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۰۴) یا نوشته اند: هنگام ورودِ اسیرانِ اهل بیت(ع)

به کوفه مرد و زن گریه میکردند امام سجاد(ع) با تعجب فرمود: اگر اینان بر ما گریه میکنند پس چه کسی ما را گشت؟! (حیة الامام الحسین، ج ۳، ص ۴۲۱) دومین صفتی که خواص کوفه به آن معروف بودند صفت ناپسند پیمان شکنی و عدم وفای بعهده بود زودباوری و فریب خوردن در جنگهای روانی یکی از صفات ناپسند و علل ضعف آنها بود که دشمن از همین نقطه ضعف به اهداف سیاسی خود میرسید عبیدالله بن زیاد برای مهار شورش مردم کوفه از این اصل استفاده کرد و خواص و عوام را با این ترفند بشدت تطمیع یا مرعوب ساخت او اعلام کرد که سپاه یزید از شام در راه است و با این نیرنگ توانست مردم را از اطراف مسلم بن عقیل پراکنده سازد (الامام

الحسین، ج ۲، ص ۴۲۹) ابن زیاد با کشتن افراد بیگناه و کشیدن آنها در کوچه و بازار و دار زدن افراد و آویزان کردن آنها در اماکن عمومی و یا انداختن از بالای قصر دارالاماره سخت مردم را به وحشت انداخت! مثلاً با کشتن حضرت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و کشاندن این دو چهره بزرگ و انقلابی در بازار کوفه و نیز شهادت نماینده دیگر امام حسین (ع) به نام قیس بن مسهر صیداوی جو خفقان را در کوفه بوجود آورد مسعودی مورخ مشهور مینویسد: هانی بن عروه را که چهار هزار نفر شمشیر زن تحت امر او بودند از زندان دست بسته برای گردن زدن بطرف بازار میبردند او چنان بزرگان قبایلش را با اسم صدا میزد و وامذحجه میگفت و به یاری

میطلبید اَمّا هیچیک به ندایش لبیک نگفتند! از اینرو وحشتِ مردم بجایی رسیده بود که کسی حاضر به دفاع از او نشد و بدستور ابنِ زیاد در اُنظارِ عمومی در سن ۸۹ سالگی گردنش را زدند و بشهادت رسید (منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۱۶). عامل دیگری که باعث شد مردم برای جنگ با امام حسین اُنگیزه پیدا کنند وعده پول و مقامهایی بود که از سوی ابنِ زیاد به خواص کوفه داده شد آنقدر خواص را شتاب زده کرد که برای دریافت پول از هم سبقت میگرفتند!! یا برای گرفتن پُست طوری مست شده بودند که به عاقبت کار فکر نمیکردند نمونه اش حکومتِ ولایتِ «ری» به عُمر بن سعد بود! افرادِ حاضر در کربلا دو دسته بودند: دسته اول خواصِ اهلِ حق

بودند که به یاری امام حسین(ع) شتافتند و علیرغم اینکه راهها بشدت کنترل بود اما چهره های محترم و سرشناسی همانند: حبیب بن مظاهر اُسدی، آنس بن حارث کاهلی، مسلم بن عوسجه، رافع بن عبدالله، مسلم بن کثیر ازدی، زهیر بن سلیم ازدی، جابر بن الحجاج، نعمان بن عمرو ازدی، حلاس بن عمرو ازدی (ابصار العین و وسیلة الدارین) وعده دیگری از کوفیان در کربلا حضور یافتند و بشهادت رسیدند. دسته دوم خواص اهل باطل بودند که به قصد جنگ با امام حسین(ع) به کربلا رفتند و این دسته چند گروه بودند باید دید آنها که این حادثه تلخ و فاجعه بزرگ را بوجود آوردند چه کسانی بودند؟ آیا به عاقبت کار فکر نکردند؟ در روایت است که پیامبر(ص) فرمودند:

«مَنْ أَعَانَ ظَالِمًا سَلَّطَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ.» (نهج الفصاحة، ص ۷۵۶) هر که

ستمگری را یاری کند خدا همان ستمگر را بر او مسلط میکند این

سنت قرآن از مسائل مهم اجتماعی و تاریخی است.

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و العاقبة لاهل التقوى و

اليقين والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين حبيب إله

العالمين أبى القاسم محمد، صلى الله عليه و آله و سلم وعلى آله

الأطيبين الأطهرين المنتجبين. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَأِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى

الصِّدِّيقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ

وَ إِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَيَّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ عَلَى أَيْمِهِ
الْمُسْلِمِينَ عَلَيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى
بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ
بْنَ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَمَنَّا بِكَ فِي بِلَادِكَ.

دعاى فرج..

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ انصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ
سُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ..

اوصيكم يا عباد الله و نفسي بتقوي الله و أخوفكم من عقابه.

با درود و سلام بي پايان به روح مُطَهَّرِ سَرَو و سالار شهيدان حضرت
أبا عبد الله الحسين (ع) و نيز معمار كبيرِ انقلابِ إسلامي ايران و دو

فرزند گرانقدرش و روح مُطَهَّرِ اِمَامِ شهیدمان جَمیعِ مؤمنین و
مؤمنات، علماء، صلحا، شهدای اِنقلاب، شهیدانِ 8 سال دفاع مقدس،
شهدای گمنام، شهدای مدافع حرم و وطن و اَمْنِیت و سلامت 350
شهید خونین بال بخش لاریجان همه شهدایی که در جنگِ تروریستی
آمریکایی – صهیونی بشهادت رسیده اند و با آرزوی طولِ عمرِ با
عزت همراه با صحت و سلامتی برای جانشین و خَلَفِ صالح آن شهید
عزیز حضرت آیت الله حاج سید مجتبی حسینی خامنه ای در این
خطبه دوم خودم و همه شما عزیزان را توصیه میکنم به تقوای اِلَهِی و
دوری از محرمات.

نکات این هفته نماز جمعه 29 خرداد ماه سال 1405 را بمحضر شما

نمازگزاران عزیز جمعه لاریجان عرضه میدارم.

نکته اول:

پیشاپیش فرا رسیدن تاسوعا و عاشورای حسینی (ع) را بمحضر امام

عصر (ع) و رهبر معظم انقلاب و شما شیعیان و عزاداران

سیدالشهدا (ع) تسلیت عرض مینمایم. ائمه اطهار (ع) با توصیه های

مؤکد خویش به إقامة عزای سالار شهیدان در حقیقت بدنبال نیل به

مقاصدی چند لایه و عمیق بوده اند مهمترین این راهبردها «حفظ

دستاوردهای ماندگار نهضت عاشورا» بود «قطعاً و بدون تردید این

مجالس مقدس در دوران خفقان شدید اموی و عباسی بعنوان تنها

پناهگاه شیعیان مایه اصلی انسجام همبستگی و بقای تشیع گردید و نقش بی بدیلی در احیاء امر اهل بیت (ع) ایفاء نمود.» بیانات روشنگرانه بنیانگذار کبیر انقلاب امام خمینی (ره) که «گریه بر امام حسین (ع) را گریه ای سیاسی و سدّ شکن در برابر اسلام ستیزان» میدانست نشان میدهد «این مراسم نه تنها محوری برای وحدت مسلمانان و آشنایی عموم مردم با دین ناب و حقیقی است بلکه بستری ممتاز برای ایجاد بصیرت فردی و اجتماعی در تشخیص دقیق جبهه حق از باطل و همچنین رزمایشی همگانی در جهت طاعت ستیزی و استکبار زدایی بشمار میرود.» فرمایش گهربار امام صادق (ع) که در زیارتنامه حضرت ابوالفضل العباس (ع) بصراحت میفرماید:

«رَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلَّيْنِ» مقام ایشان را در «علیین» معرفی مینمایند
این بیان نورانی روزنه ای برای باز شناسی شخصیتِ عظیمِ حضرت
قمر بنی هاشم (ع) بعنوان الگویی تمام عیار از یک انسانِ کامل و
همتراز با غایتِ خلقت است و سر مشقِ گیری از ابعادِ گوناگونِ
وجودی آنحضرت از ولایتمداری تا اِیثار و جانبازی ضروریست. با
تمسک به سفارشِ صریحِ امامِ باقر (ع) که شیعیان را به عزاداری در
خانه ها و دیدارِ یکدیگر برای گریه بر سیدالشهداء (ع) تشویق فرموده
اند اِحياءِ سنّتِ دیرینه و سرشار از برکتِ «روضه های خانگی»
مورد تأکیدِ مضاعفِ اهلبیت است. این مجالسِ صمیمی دارای برکاتی
بی انتها همچون: نورانیّت و معنویّتِ خانه، تعمیقِ پیوندهای عاطفی و

اجتماعی میان همسایگان و خویشاوندان (صله رحم) تربیت صحیح و دینی کودکان با عشق به اهل بیت (ع) بستری برای مواسات، همدلی و گره گشایی از مشکلات مؤمنان و در نهایت دفع بلا آمرزش گناهان و نیل به شفاعت روز جزاست.

نکته دوم:

با توجه به اینکه رسانه های آمریکایی از یک توافق سخن میگویند تحولات میدانی نشان میدهد این مذاکرات نبردی تمام عیار و سرنوشت ساز بر سر آینده نظم منطقه ای و نوع روایت نهایی از پیروزی است لذا باید با چشمانی باز و هوشیاری کامل به این صحنه نگریست.» تنها توافقی پذیرفتنی و ماندگار خواهد بود که عادلانه ،

پایدار، غیر قابل نقض و همراه با تضمینهای راستین باشد و حقوق
مُسلّم ملتِ ایران را هرگز قربانیِ نمایشهای تبلیغاتی و اشنگتن نکند
بیقین اختلافِ نظر دربارهٔ مذاکرات، امری طبیعی است امّا تبدیلِ آن
به دو گانه سازیِ تخریبی در درونِ جبههٔ انقلاب دقیقاً همان راهبردِ
دیرینهٔ دشمن برای تضعیف از درون است تجربهٔ تاریخی انقلاب
نشان داده که هر زمان انسجامِ ملی تضعیف شد طرفِ مقابل بهمان
نسبت احساسِ قدرت کرده و بر زیاده خواهی های خود افزوده است.
امروز مهمترین سرمایهٔ جمهوری اسلامی «وحدتِ بی بدیلِ مردم،
نظام و رهبری» است دشمن بیش از هر چیز از ایران متحد هراس
دارد نبردِ اصلیِ امروز نه در تنگهٔ هرمز و نه در خیابانهای بیروت

بلکه بر سرِ ارادهٔ پولادینِ ملتِ ایران است هر جا این وحدت حفظ شده دشمن ناچار به عقب نشینی و پذیرش شکست گردیده است امام شهید ما در تاریخِ اولِ فروردین ۱۳۹۴ فرودند: «من مردمِ عزیزمان را به بی تفاوتی دعوت نمیکنم آنها را به اِهتمام در مسائلِ اساسیِ کشور دعوت میکنم اما اصرار دارم که برخوردها تخریبی، تحقیر آمیز و همراه با اِهانَت نباشد.» همچنین به فرمایشِ تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۸۵ ایشان : نقدِ صحیح و عاقلانه از تلاش برای ناکار آمد جلوه دادنِ یک دستگاه به کلی بر حذر داشتند این بیاناتِ گهربار چراغِ راهِ ما در تمامیِ عرصه هاست. بیاناتِ اخیرِ حضرتِ آیت الله العظمی امام سید مجتبی حسینی خامنه ای (مدّظله العالی) در تاریخ ۷ خرداد ۱۴۰۵ از

«رعايتِ نعمتِ عظيم وحدثِ ملی» بعنوانِ یکی از مصادیق برجسته
تقوا و عاملِ اصلی ظفر در مقابلِ شیطانِ بزرگ یاد فرموده اند نقش
مسئولین در پشتیبانیِ عملی از این انسجام فوق العاده حیاتی است هر
گونه اقدام نسنجیده ای که منجر به بد بینی و نا امیدی و سر خوردگی
آحادِ مردم شود عملاً کمکی آشکار به دشمنِ این کشور و مردمانش
محسوب میشود پس باید مواظب بود که دشمن با لباسِ مبدلِ حزب
اللهی حرف نزند و بنامِ دین، دینِ فروشی نکند. پیامِ اخیرِ فرمانده
محترم هوا فضای سپاه سردار سید مجید موسوی که فرمودند: «گوش
به فرمانِ ولایت باشید و از هر کلام مشکوکی که اتحادِ مقدس شما را

بخطر میاندازد دوری کنید هم حائز اهمیت است بنابر این تبعیت از

ولایت مرز روشن انقلابیگری از غیر آن است.»

نکته سوم:

تبیین نحوه مواجهه عاقلانه با مذاکرات و توافقات نیازمند پرهیز

همزمان از دو گناه بزرگ «تنش آفرینی هیجانی» و «خوشبینی ساده

انگاران» است ما به اذعان دوست و دشمن پیروز جنگ نظامی و

میدانی هستیم و دشمن به تعبیر رهبر معظم به اهداف شوم خود

نرسیده است ما در این راه پُر فراز و نشیب متحمل خسارتهای سنگین

و جانسوزی نیز شده ایم ارزشمندترین دارایی ما در این جنگ نا

برابر بشهادت رسید اما همین شهادت رهبر عزیزمان موجب اتحاد

مثال زدنی تمام مردم و اثبات حقانیت نظام مقدس اسلامی در اذهان
جهانیان شد از برخی غرب گرایان گرفته تا برخی انقلابیها جوری از
برتری دشمن در عرصه دیپلماسی حرف میزنند که گویا ایران در این
عرصه قرار است حتماً باخت بدهد! این دل خالی کردنها، این
ترسیدنها و این سخن گفتن از اینکه «همه چیز از دست رفت» کلماتی
نیست که مورد رضای امام شهید و امام حاضر ما باشد بعد از این
جنگ دیگر نه ایران آن ایران گذشته است و نه امپراطوری آمریکا
دیگر آن اُبَهِت و جبروت گذشته را دارد همانطور که برای مذاکرات
فشرده خودمان را آماده میکنیم باید خودمان را هم برای جنگ احتمالی
بعدی آماده کنیم ابتلائات آخرالزمانی موضع گیریهایی است که در

سختترین شرایطِ انسان را میانِ ایمان و کفر و میانِ انقلابی بودن و نبودن به لرزه می‌اندازد اینهاست که بسیار دشوار است و از این پس نیز روز به روز سختتر خواهد شد یقین بدانیم که ابتلائات بعدی از اینها پیچیده تر خواهد بود انشاءالله خدای سبحان ما را در این ابتلائات آخرالزمانی محفوظ و سالم نگه دارد. اوج قلّه هوشمندی و تدبیر و دور اندیشی در جای جای پیام رهبر عزیز موج میزند آنجایی که فرمودند: بنده علی‌الاصول نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهدی که رئیس جمهور محترم بعنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشتِ حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند اجازه آن را صادر

نمودم سخنان رهبری فصلُ الخطاب همه جریانهای سیاسی و مبنای

عمل مشترک کشور است. شکراً لله! حمداً لله!